

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي جعل في القرآن الكريم ما فيه من العجائب والبرهان

والتي هي من العجائب والبرهان والبرهان والبرهان



الطبعة الأولى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مكتبة المصطفى

[illegible]

جنبی گواهی دادن بتوبه و رسالت محمد رسول الله متفق علیه عن ابن عباس اطاعت
 رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالى مَنِ اطَاعَ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَاعَ اللَّهَ یعنی هر که
 فرمان برداری کند رسول را از فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت
 خدا بلکه عین محبت است و تعالی شد رسول فرموده صلعم لَا يَزَالُ مِنْكُمْ مَنْ يَأْتِي مِنْ أَحَدِكُمْ حَتَّى الْوَرَأَ حَتَّى إِلَيْهِ
 مِنْكَ الدِّينُ وَكَذَلِكَ تَسِيرُ الْأَجْمَعِينَ متفق علیه عن انس یعنی ایسان یکی از شما
 هیچ نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
 رسول الله صلعم هم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت است آن امتثال او امر و
 نواهی اوست و کثرت صلو و سلام بردی و محبت به آل و اصحاب او فصل پس بدانکه
 چون شناختن ذات صفات و مزیات مکرر باشد بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصاً
 بسی خلفا و راشدین بین قوت و زونق گرفته و اقوال و افعال او علیه السلام که بعضی صحابه
 را معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسایل خلافت و مجمع علیه گشته که
 در هر مسئله صحابه را جمع کرده تحقیق کرده و ترجیح میکردند پس ادای حق صحابه و ابلت عین
 ادای حق رسول است و محبت و اطاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول گشته فرمود
 رسول صلعم مَنْ أَحَبَّهُمْ فَيُحِبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَيَبْغِضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ أَذَلَّهُمْ فَقَدْ
 أَذَانِي وَمَنْ أَذَانِي فَقَدْ أَذَى اللَّهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن معقل و فرمود
 اِقْتَدُوا بِاللَّيْثِ بْنِ أَبِي الْكَرْبِ وَعُمَرَا رواه مسلم و الترمذی عن حنیفه یعنی هر که دوست
 دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمنی
 پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را اید کرده پس بد رستی مرا اید کرده
 و هر که مرا اید کرده پس بد رستی که خدا را اید کرده و فرمود پیروی کنید پیرو خلیفه که
 من باشم ابوبکر و عمر و فرموده عَلَيْكُمْ لِبَنَاتِي وَسُنَّةُ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي
 یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفا راشدین را که بعد من باشند فرمود اَنَا بَنِي
 الْعِلْمِ وَحَلِي بَالِحًا رواه الطبرانی و الحاكم عن ابن عباس من شهر علمهم علی دروازه است
 فرموده اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِيدَ كِتَابَ اللَّهِ وَحَدِيثِي رواه احمد و الطبرانی حسن زید بن ثابت
 یعنی میگذازم بعد خود نزد شما و دو سید محکم یکی قرآن دوم عترت خود و فرمود صلعم
 اللَّهُ عَلَّمَنَا خُذُوا النِّصْفَ الْعَلَمَ مِنْ هَذِهِ الْأَمَّةِ بَاءً بَكَرَةً لِيُخَفَّضَ عَنْكُمْ مِنْ جَمِيعِ شَرِّهَا

که ما را در حق الله تعالی شهادت فرمود و صلی الله علیه و آله و سلم را بهر کس که از اینها پیروی کند
از راه زمین من می رسد یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند بهر که از اینها پیروی کند
به هدایت رسید این چنین احادیث بسیار اند **فصل** همچنین ادای حق طلبان و محبت
در نهایت مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله استادی علوم ظاهر و پیران استادی علوم
در رنگ حق صحابه و اهل بیت داخل ادای حق خدا و رسول است که اینها دارشان به غیر و عاقلان
و این اند قال رسول صلی الله علیه و آله **إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرِثَةُ اللَّهِ** و **إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ أَعْلَمُ نَبِيًّا**
دِينَنَا و **كَادُوهُمْ مَا دَامُوا وَتَرَوْا الْعِلْمَ** رواه اصحاب اسنن عن بشیر بن قیس یعنی بدینست که
علماء و ارشان بسیار اند و بدینست که انبیاء میراث گذشتگانند دنیا رفته و در هم را و آخرین است
که میراث گذشتگانند علم را و قال علیه السلام **فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَدْنَاكُمْ**
بَلَدًا **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** رواه الترمذی عن ابی اسلمه و الدرامی عن بخول
والحسن مرسل یعنی فرمود و آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست بر ادب و مسلمان
بستر خواند آیه یعنی نمی ترسند از خدا از جمله بنده گان او مگر عالمان فرموده رسول صلی الله
و آله و سلم **إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا** یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود
صلی الله علیه و آله **أَجُودُ جُودًا وَأَنَا أَجُودُ بَنِي آدَمَ وَأَجُودُهُمْ بَعْدِي وَجَلَّ عِلْمُ عَلِيٍّ فَتَشَوَّ**
يَا قَوْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ رواه ابی بکر عن انس یعنی الله تعالی جواد ترست و
من جواد ترین آدمیانم و جواد ترا و میسان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردی
پرگنده کرد و در زقیامت بنیاید جماعتی تنها ظاهر امر او است که هر چند امتی است بنی نیست
که امت با وی باشد اما جماعت تلاذه مثل است باشد و فرمود رسول صلی الله علیه و آله
يَوْمَ تَرَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِثْلَ دُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشُّهَدَاءِ يَجْرِي فِي سُرَادِقٍ
الشُّهَدَاءُ رواه ابی بکر عن عثمان بن عفان یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت
سیاهی علم و خون شهیدان پس سیاهی علم غالب شود بر خون شهیدان اطاعت
و اولیای اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه و آله و سلم و محبت شان قال الله **يَا أَيُّهَا**
الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَطِيعُوا أَرْوَاحَ مَنَاسِكُمْ یعنی فرمان برداری
کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم و اصحاب و اهل بیت او علیه السلام و علماء ظاهر و باطن بنده گان خدای تعالی

نشان مثل حقوق العباد است اما حق است بجنه الله تعالی اگر اینها نمی بودند کسی خسار را نمی شناخت
 و حق است او را نیکو در رسول فرمود **كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ** تا آنکه از آن میوه بردارید و اگر در آن
 میوه نرسیده است و در آن میوه نرسیده است و در آن میوه نرسیده است و در آن میوه نرسیده است و در آن میوه نرسیده است
 کسی که در اینها مستغرق اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاری آید و دوستی و دشمنی با خداست در حدیث
 قدسی آمده **مَنْ عَادَى قَوْمِي فَقَدْ عَادَى قَوْمِي بِالْحَرْبِ** طر واه البخاری عن ابی هریره یعنی هر که
 با من پس خبر دارم که من او را با جنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده **أُولَئِكَ عَادَى**
عِبَادِي الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِي و در حدیث دیگر آمده **كُلُّكُمْ رَاعٍ لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ** و در حدیث دیگر آمده **كُلُّكُمْ رَاعٍ لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ**
 از بنده گان من کسانی هستند که یاد کرده اند و بنده گان من یاد کرده اند و بنده گان من یاد کرده اند و بنده گان من یاد کرده اند
 همچنین در حدیث نبوی آمده **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** و در حدیث دیگر آمده **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ**
 است که در این حدیث از حقوق الله آمده اند و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر و در ظاهر
 رسانیدن مانند اینها آنچه مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
 روزی رسانند یا از آنها پدر و مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
 نشان بتوسط نشان رسانند شکر این با هم مثل مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
شَكَرْتُ لِلَّهِ و در حدیث دیگر آمده **شَكَرْتُ لِلَّهِ** و در حدیث دیگر آمده **شَكَرْتُ لِلَّهِ**
 و اگر از آن حقوق والدین است **قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنَةً وَهَذَا عَهْدِي**
بِفَضْلِهِ فِي حَاكِمِينَ و در حدیث دیگر آمده **قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَسَنَةً وَهَذَا عَهْدِي**
 گوئی کردنی مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
 برای حق برای مادر و پدر و اجداد و جدات کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط نشان
 والدین را متفق علیهم **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو** و در حدیث دیگر آمده **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو**
 عشق بابتشیر شدن و قطع است ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول به چه چیز و
 کرده از آن جمله گفت **كَاشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ قُلْتَ أَوْ حَقَّقْتَ لَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ** و در حدیث دیگر آمده **كَاشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ قُلْتَ أَوْ حَقَّقْتَ لَا تَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ**
أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَمِلْكِكَ و در حدیث دیگر آمده **أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَمِلْكِكَ**
 والدین کن اگر چه امر کنند ترا با آنکه بپوشی از اهل و مال خود و در حدیث دیگر آمده **أَنْ تَخْرُجَ مِنْ أَهْلِكَ وَمِلْكِكَ**
 روایت کرده که هر وی از رسول **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ** پرسید که زیاده حق برای تو چیست گفت
 فرمود مادر تو گفت پسر تو گفت فرمود مادر تو گفت پسر تو گفت فرمود مادر تو گفت پسر تو گفت

[illegible]

[illegible]

و در هر مردی که در دنیا باشد و در هر مردی که در آخرت باشد

باشند که قدرت بر سب داشته باشند بر فرزند عال با لغ که قدرت بر سب داشته باشد
 است اگر چه که فرزند زایل ذمه در حجب چسب از هماره نباشد بلی بکبر و است کرده که از رسول کریم
 ما در سن آمده است که کافره است صله با وی کنم فرمود آری بکن و آتشال مرد رضا جوئی آنها قریب
 عصیت و ترک فرایض برندی از عبادت بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم
 خدا در زمانه پدوست مانوشی خدا و ناخوشی پدوست حق تعالی نه برده و دان جاهد
 صلی الله علیه و سلم ما لبس الله به علمه فلا تظنهم ما وصاه الله فی الدنیا مع حق و
 اگر جنگ کنند پدر و در تو برینکه شریک گوئی با من چیز را که تو علم نداری یا من چیزی علم توجیه
 و برین امر فرمان برداری آنها کن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول صلعم فرمود لا طاعة
 فی معصیه الخالق رواه احمد و الحاکم عن عمران بن الحکم عن عمر بن الخطاب عن فی صبیح
 لا حد فی معصیه الله ایما الطاعة فی الخوف یعنی جایز نیست فرمان برداری بچکس از
 در نا فرمانی خدا طاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است فصل از جمله حقیقت
 پدر دوستی کردنست با دوستان پدر و نمکوی کردن با دوستان پدر در غیب او و صله عیارت
 از آنچه موجب وصلت و خلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن خسلاق
 و حق اقرار با او از جاحقود پدران مادر نیست صله و نمکوی با و و آنها یعنی با برادران و خواهر
 و خالات پدر و مادر و اولادشان همچنین الا قریب الا قریب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد
 حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرمود و چند جا کانت ذالقریب حق یعنی بدو صله
 حق او بلندتر کس که غنی باشد و حبیب بر وی نفقه می رسم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدر
 ند داشته باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی و علی الوالدین مثل ذلک یعنی بر و ارب شافقه و
 مثل نفقه اولاد و بر کس که ذی رسم محرم خود را مالک شود و بجز مالک شدن آزاد که و اگر
 باشد قال علیه السلام من مکن ذی رسم محرم حقی علیه رواه احمد و ابو داود و الحاکم عن
 هر که مالک شود ذی رسم محرم خود را بر وی آزاد شود و جمع کردن دوزان فی رسم محرم حر است که
 قطع رحم میشود از اقربا بر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجب است
 حام است و ما نفقت آنها جایز نیست عن ابی هریره قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم
 خلق الله الخلق فلما فرغ منه قامت الرحم فاختار الرحم یحقر و الرحم ففقال
 قالت هذا مقام العائذ بک من القطیعة قال الا ترضین ان اصی

[illegible]

[illegible]

فَإِنْ لَمْ يَنْزِلْ إِلَيْكَ اجْرَأْ أَنْ تَقَالَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْهُ عَلَيْهِ وَزُرَّامُذَنْتُ مَتَّفِقٌ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ
یعنی هر که فرمان برداری سون کرد و فرمان برداری خدا کرد و هر که نافرمانی خدا کرد و هر که فرمان برداری
امیر کرد و فرمان برداری من کرد و هر که نافرمانی امیر کرد و نافرمانی من کرد پادشاه نیست مگر سیر مردم با کفاد
می کند و بوی پناه میجویند پس اگر امر متقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد و اگر چیزی دیگر گفت
بر وی باشد یعنی گناه و فرمود آنسر در علیه السلام اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَإِنْ اسْتَجَلَّ عَلَيْكُمْ حَبِيبٌ
كَانَ رَأْسَهُ ذَمِيْبٌ رواه البخاری عن الشریع یعنی بشنود و فرمان برداری کنید امیر را اگر چه حاکم کرده
به شما ظلام معیشتی که سر او مثل زانه انگور سیاه و خر و باشد فرمود السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَوْلَى السَّلَامُ بِمَا حَقَّ
كَوْنُ مَا لَمْ يَكُنْ مِنْ مَعْصِيَةٍ فَإِذَا أَمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ مَتَّفِقٌ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ
رِطَاعَتِ كَرْدَنَ وَ حَبِيبَتِ بَرِ مَرْيَمَ هَمَانِ در آنچه خوش آید و آید یا ناخوش تا وقتیکه امر کرده شود و معصیت
پس وقتیکه امر کرده شود و گناه پس باز نیست سماع و طاعت و فرمود مَنِ رَأَى مِنْ أَمِيرٍ شَيْئًا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَلْبٌ
فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شَيْئًا أَفِي مَوْتَ الْأَمَاتِ مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ مَتَّفِقٌ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
یعنی هر که بیند از حاکم خود چیزی که کرده و ندان آن پس باید که بگریزد بدستیکه نیست کسی را که بغی کند و جدا شود
از جماعت مسلمانان بقدر یک و حسب پس میرد و در آن حال گمان که مرده باشد مانند مردن جالبیت
و فرمود إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ بَعْدِي أَتَى أَمْرٌ وَأَمْرٌ تَنْتَكِرُونَ وَ كُنَّا قَالُوا إِنَّمَا تَأْخُذُ بِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَدَوْنَا
عَلَيْهِمْ حَقَّهُمْ وَاسْتَلَوْا اللَّهَ تَعَالَى مَتَّفِقٌ عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَ وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ
یعنی نفس پردی و چیزی که شما را ناخوش دارد یاران گفتند پس چه میفرمائی ما را آنسر فرمود که
حق آنها را کنید و حق خود را خدا خواهد یاران گفتند یا رسول الله اگر باشد ما را که حق خود را طاعت کنند
حق ما نهند فرمود اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا إِنَّمَا عَلَيْكُمْ مَآ جِئْتُكُمْ بِهِ وَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ بَعْدِي أَتَى أَمْرٌ
و ائیل بن حجر یعنی بشنود و حکم آنها و فرمان برداری کنید پس بدستیکه و حسب است بر آنها آنچه حق تقا
برسد آنها و حسب کرده است از طاعت و رعیت پردی و و حسب بر شما واجب کرده است خدا تعالی
اطاعت و فرمان برداری فصل اگر قاضی حکم کند موافق شرع و حسب که بطیب خاطر آنرا قبول کرد
که حق تعالی میفرماید فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى تُخْرُجُوا فِيمَا شَجَدْتُمْ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتُمْ وَيُسَلِّوْنَ تَسْلِيمًا یعنی بخدا ایمان بخوانند و در آنکه حاکم گردانند ترا در آنچه منازعت
شود بهتر نیابند در ولهائی خود تنگی و ناخوشی از آنچه حکم کنی و قبول کنند و قبول کردند اگر
قاضی گوید حکم کردم برین که این اسلکها کن یا دست قطع کن دره بزن جائز است بجا آوردن

وَأَمَّا الْعَصَا

آن امام بر منبر گفت که اگر تانسی عالم و عادل باشد بجا آورد و مادانی شایسته بر سر
اگر وجه معتدل گشت بجا آورد و الا گشت و اگر واقع است بجا نیار و مگر وقتیکه سبب حکم از منبر
در حق شوهر بر زن با حاد و شد بسیارند رسول فرمود **لَوْ كُنْتُ الْكَوْكَبَ لَأَتَيْتُكُمْ كَأَكْثَرِ مَا**
الْمَرَآتِ أَنْ تَسْجُدَ لَوْ كُنْتُ حِمَا در داد الترنی و ابو داؤد و نحو و از قیس بن سعد و احمد و معاوی و غیره
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند کسی هرگز آن امر میکردم من را که سجده کند شوهر خود را و مردی از
ام سلمه روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که مرد شوهرش از در حق است داخل بیست شود
و ابوالنفیم در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه بخواند و در راه رمضان
گذارد و عفت و رزق و درمان برداری شود هرگز داخل شود بیست از هر دو که خواهد چنانچه عایشه روایت کرده
آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی احکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را اگر شوهر زن را حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سفید بکوه سیاه بکوه سفید بگوید باید که همچنان کند تا زنده می و این حدیث از معاذ
روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را از رسید بدوران بیست میگوید لعنت کند
بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر همان قرمیت که از تو جدا شود بسوی ما فصل و در حق
سید پر عبد فرمود رسول **إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا انْفَضَّ سَيْدَهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ كَأَجْرِ مَرْتَبَتَيْنِ**
استغنی علیه عن عبد الله بن عمرو یعنی بد رستیکه غلام اگر خیر خواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خدا
و چندان ثواب یا بنسرمود آنحضرت **مَنْ تَعَالَى لِلْمَوْلَى أَنْ يَتَّقَاهُ اللَّهُ يَجْزِي عِبَادَةَ دَسْبَدِ**
كُلَّ حَاجَةٍ سَيِّئَةٍ وَ تَعَالَى كَسْتَقَى عَلَيْهِ عَنِ ابْنِ هَرِيرَةَ یعنی خوشا حال بنده ملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
بروردگار خود و فرمان برداری مالک خود خوشا حال او و فرمود انس و علی السلام **إِذَا بَقِيَ الْعَبْدُ**
لَمْ يَنْقُصْ كَلِمَةً وَ قَدْ وَدَّ أَنْ يَتَّخِذَ عِبْدًا بَوَّابًا **فَقَدْ كُنَّ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ**
رواه مسلم عن جابر یعنی اگر غلام بگیرد و نماز او قبول نشود و در روز آخر غلامی که بگیرد از مالکان خود
تحقیق کافر شود و ماد و قتی که باز آید نزد ایشان یعنی کافر لعنت باشد و بیعتی از جابر روایت کرده که رسول
فرمود هر کس را نماز قبول نشود و غلامی که بگیرد تا که باز نزد مالک خود آید و نیک شوهرش
ناخوش باشد و مست تا که بپوشش و فرمود صلعم **كَيْسَ مَتَانًا مَرْغُوبًا** **إِنَّمَا هِيَ رَأَاهُ عَجَاذُ عَجَلًا**
حکایت میکند که رواه ابو داؤد و حسن ابو هریره رضی الله عنه **عَنْ عَائِشَةَ** یعنی نیست از مالک کسی که در غلامی
و قاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پدر بر فرزندان و غیره بر پدر

و با در حق ملوک بر مالک که اینهمه دالیع حق اند حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود برای ملوک کان و
 بنندگان خود چیست؟ چسب کرده پس کسی را که در دنیا راضی ساخته و مالک گردانیده و بر مردم و حبس
 ساخته قال رسول الله علیه و السلام اَلَا تَكُلُّكُمْ رَايِعٌ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَا
 رَعِيَّتُهُمُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَايِعٌ دَهْرٌ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِمْ وَلِلرَّجُلِ عَلَى اَهْلِيكَمُ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ
 رَعِيَّتِهِ وَالْمَرْأَةُ رَايِعَةٌ عَلَى بَيْتِ رَوْحِهَا وَكَلِدَةٍ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَعَبْدُ الرَّجُلِ
 رَايِعٌ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ اَلَا تَكُلُّكُمْ رَايِعٌ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ مَسْئُولٌ
 عَلَيْهِ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بَعْنِي اَكَا دَاشِيدِكُمْ بَرِيكِي اَزْ شَمَارِ اَعِيَّتِ و میرکی از شما سوال کرده خواهد شد
 از رعیت او که بجال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته باشد پادشاه بر تمام آدمیان رعیت است
 سوال کرده خواهد شد از رعیت او و هر دو را رعیت پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد
 وزن بر خاند شوم و اولاد او را رعیت است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی رعیت است
 از ان سوال کرده خواهد شد فضل در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود مَعْلَمٌ وَآلِ بَنِي
 رَعِيَّتِهِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَمُوتُ دَهْرٌ عَاتِرٌ اَخْرَجْتُمْ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ مَسْئُولٌ عَلَيْهِ عَنِ مَعْلَمِ بْنِ اَبِي
 كَسِي نَسِيتُ كَسِي و آلی که بر رعیتی از مسلمانان و آلی باشد پس میر در حالیکه خیرخواهی رعیت نگردیده باشد
 مگر آنکه حق تعالی بر وی پشت را حرام کرده و فرمود اَلَا تَكُلُّكُمْ رَايِعٌ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ
 عَلَيْهِمْ فَاَسْتَقِ عَلَيْهِمْ وَ مَنْ دَلِي مِنْ اَمْرِ اَمْتٍ شَيْئًا فَدَفْعُهُمْ فَاَدْفُقْ رَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ
 عَالِشَةَ بَعْنِي اَبِي بَارِ خَدَا اِهْرَه که و آلی شود از کارهای است من چیز را پس سختی کرد بر آنها پس سختی
 کن بر دهر که و آلی شود از کارهای است من چیز را پس آنها نرمی و مهربانی کند تو بر وی نرمی
 و مهربانی کن پس مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود عَادِلَانِ بَرٌّ بَرٌّ رَزُوْرَ بَاشُنْد
 نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم داهل آنها در آنچه و آلی کرده شده و اند و داری از ابره
 آنحضرت م آورده اند که فرمود نباشد مکرده و ده کس مگر آنکه آورده شود در قیامت بسنه که بکشاید
 او را عدل یا بطلاک کند او را ظلم و فرمود اِنَّ اَحَبَّ النَّاسِ اِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ اَخْرَجْتُمْ مَقْنَنَةً
 مَجْلَسًا اِمَامًا عَادِلًا وَاِنْ اَبْغَضَ النَّاسِ اِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ اَشَدُّهُمْ عَدَا اِمَامًا
 جَائِدًا و داد الترمذی عن ابی سعید یعنی بدینیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و
 نزدیک ترین مردان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عا دای باشد و بدینیکه ناخوشترین
 آدمیان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود اِنَّ الشَّيْطَانَ

و آلی که بر رعیتی از مسلمانان و آلی باشد پس میر در حالیکه خیرخواهی رعیت نگردیده باشد

فَلَمْ يَكُنْ يَدْرِي إِلَيْكَ كَيْسًا مِّنْ عِيسَىٰ فَإِنَّمَا كَانَ لَهَا خَيْرٌ مِّنْ عَلَىٰ
 لَرَجِيَّتِ الشُّكْرَ وَأَجَابَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ الرَّغِيْبُ فِي الصَّبْرِ رَوَاهُ الْبُيْهَقِيُّ عَنْ أَبِي
 حَنِيفَةَ يَدُ شَاوَسَايَةَ خَدِيسَتِ دُرَيْمِ بْنِ آيِدِ سُبُحِيٍّ أَوْ هِرْشَلَاوَمَ زَبْنَدِيَّانَ حَتَّىٰ إِذَا كَرِهَ لَهَا
 بِأَشَدِّ دُرَيْمِ شَيْءٍ شَكَرَ وَجِبَ شُكْرًا كَرِهَ لَهَا بِأَشَدِّ دُرَيْمِ شَيْءٍ شَكَرَ وَجِبَ شُكْرًا
 حَتَّىٰ فَرَضَتْ وَكَلَّمَ خَلِيفَ شَرَعَ قَرِيبَ كَفَرٍ وَظَلَمَ فَمَنْ كَرِهَتْهُ فَمَنْ كَرِهَتْهُ فَمَنْ كَرِهَتْهُ
 الْعَفْرَةُ فَكَانَ لَهَا فِي ذَلِكَ مِمَّنْ الْفَلْسُفَةُ رَسُولُ فَرَسُودِ الْفَتَاةِ ثَلَاثَةً وَاحِدَةً
 لِكُنَانٍ فِي إِذَا نَزَلَ قَامَتَا الذِّفْنُ فِي الْحَنَةِ فَجَلَّ عَرَفَ الْحَنَىٰ فَخَضِي بِهِ وَرَجُلٌ حَرَفَ الْحَنَىٰ فَجَاءَ
 فِي السُّكْرِ فَجَاءَ الشَّارِدُ وَرَجُلٌ فَخَضِي لِلنَّاسِ عَلَى جَبَلٍ فَجَاءَ الشَّارِدُ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ
 وَابْنُ مَاجَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ قَامِيَّانَ سَقَمَنِي كَيْ أَنَّهُ عَالِمٌ بِأَشَدِّ حَقٍّ وَكَلَّمَ حَقَّ كُنْدَيْنِ دُرَيْمِ شَيْءٍ
 دَوْمَ أَنَّهُ عَالِمٌ بِأَشَدِّ حَقٍّ وَكَلَّمَ حَقَّ سَوْمَ أَنَّهُ جَاهِلٌ بِأَشَدِّ حَقٍّ هِرْدُورُ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ
 أَزَالِي هِرْدُورُ دُرَيْمِ شَيْءٍ هِرْدُورُ دُرَيْمِ شَيْءٍ هِرْدُورُ دُرَيْمِ شَيْءٍ هِرْدُورُ دُرَيْمِ شَيْءٍ
 غَالِبٌ شُكْرًا وَرَجُلٌ أَوْ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ
 لَكُنْ عَلَى كَيْسٍ الْعَفْرَةُ بِنِي زَيْنَ رَابِعُ مَرَّةٍ حَقٌّ جَانِبُهُ مَرْدَانُ جَانِبُهُ مَرْدَانُ جَانِبُهُ مَرْدَانُ
 سِفْرُ بَيْدَانٍ مِّنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَأَكْثَرَهُمْ كِبَارًا رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ عَالِيَةِ دُرَيْمِ
 التِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ نَحْوَهُ يَعْنِي أَنَّ كَامِلِيَّ مَرْدَانٍ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ
 دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ
 عَنْ عَالِيَةِ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ
 قَشِيرِيٍّ أَوْ رَسُولِ كَرِيمٍ مَرْدَانٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا
 چُونِ خُودِ بُوْشِيٍّ وَفَرْزَنْ بَرُودِيٍّ أَوْ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ
 وَابْنُ دَاوُدَ وَابْنُ مَاجَةَ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا
 مِیْکَرْدَنَدَانِ خُوبِ کَسِ مِیْکَرْدَنَدَانِ خُوبِ کَسِ مِیْکَرْدَنَدَانِ خُوبِ کَسِ مِیْکَرْدَنَدَانِ خُوبِ کَسِ
 حَقِّ مَنَقَحَتِ بَرُودِ زَنْدَانِ رَسُولِ كَرِيمٍ فَرَسُودِ مَرْدَانِ جَانِبُهُ مَرْدَانُ جَانِبُهُ مَرْدَانُ
 طَلَاوُصَهُمْ أَصَابَهُ رَوَاهُ الْبُيْهَقِيُّ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ يَدُ شَاوَسَايَةَ خَدِيسَتِ دُرَيْمِ شَيْءٍ
 مِّنْ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ
 دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ بِأَشَدِّ حَقٍّ شُكْرًا وَرَجُلٌ دُرَيْمِ شَيْءٍ

[illegible]

۱۰۰

[illegible]

را این حدیث از عبد الله بن عمر بن الخطاب روایت کرده که رسول فرمود که **مَنْ جَاءَ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِنْ خَيْرٍ لِقَاءِ رَسُولِيَّ**
يَا مَرْيَمُ اسْكُنِي هَذَا الْبَيْتَ أَخْلُقُ عَنْكِ بَابَهُ وَمَنْعَتِي خُصْلَةً رده الاصفهانی عن ابن عباس
 بسیار بسیار باشد که بگوید ای پروردگار پرست این چو اینست که در روز
 خود از من و نژاد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عباس روایت کرده که رسول فرمود
 که همیشه جبرائیل مرا برای همسایه وصیت میکند حتی که گمان بر دهم که قریبت که حق تعالی اورا و رشت
 گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول الله فرمود و قتی که گوشت پیری شود یا زیاده کن یا کم
 را ضیافت کن عائشه از رسول پرسید که یا رسول الله مرد و همسایه هستند بکدامی از آنها پدیده که فرمود
 بگو نزد یک بر است در روز و از رسول من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیحسن الی جاره
 و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکفر ثم خلیفه و من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر
 فلیقتل خلیف اولی صحت رده البغوی فی الصحیحین عن ابی هریره نحوه یعنی هر که بکشد او روز
 قیامت ایمان داشته باشد پس با یکله همسایه خود کوی کند و همان را اگر اعی دارد و بجهت یک باشد
 گوید یا خاموش ماند سخن میفایند گوید بدان اسدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه علیحد
 بیاید چنین حق ثابت شده پس محبت و همنفر بطریق اولی حق و حبیب بنیامنه با بر محبتی هر
 کریم اصحاب خود را چه قدر مایه فرموده برای محبت و غلبه نشان بهانه کرده لیکن و حبیب که
 همیشه دوستی با ایشان کند و با کافران و فاسقان کند رسول فرمود **مَنْ لَجَّ بِالسَّامِ وَالشَّوْءِ**
كَمَا لَجَّ الْمَسْلُوكُ دَنَاءُ الْكَلْبِ كَمَا لَجَّ الْمَسْلُوكُ رَمَانٌ يَحْبُوكُ وَ لَمَّا أَنْ بَتَّاعٌ مِنْهُمْ قَامَتْ أَنْ
يَحْدُ مِنْهُمْ رَجُلًا طَيِّبَةً وَ نَاحَ الْكَلْبِ أَمَّا أَنْ يَحْبُوكُ نَبَا بَكَ وَ أَمَّا أَنْ يَحْدُ مِنْهُمْ رَجُلًا خَبِيثَةً مَسْفُوقٌ
عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ مَوْسَى وَ فِي رَوَاةٍ يَحْبُوكُ بَلْبَتَكَ أَوْ تَوْبَكَ أَوْ يَحْدُ مِنْهُمْ رَجُلًا خَبِيثَةً یعنی حال
 همسایه نیک و همسایه بد آنچنانست که همسایه نیک مانند صاحب مشکست اما خواهد بود و او را توارز
 خرید خواهی کرد و رنه بتوبوی خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده بوی آتش انگارست که خانه
 تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گزند بوی بد از و تو خواهد رسید به چنین حاکم را بود او و دانست
 از آنحضرت روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروشنست اگر عطر تو خواهد داد بوی تو خواهد رسید
 او را و و ترندی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت همیشه منی کن گر با همسایه
 کامل ایمان و باید که طعام خود را اگر متقی و بخوی از ابی سعید پره روایت کرده که رسول فرمود
 که آدم بر دین و مذاهب دوست خود را باشد پس برین که با که دوستی دارد همچنین در صحیحین

از این مسووا از آنحضرت مرویست که فرمود **مَنْ لَمْ يَتَّقِ** یعنی انسان در آخرت کسی باشد که
 در او دوست دارد و حق تعالی میفرماید **الْأَخِلَّاءُ يَوْمَ تَبْتَلُهُمْ لِيَبَعَثَ اللَّهُ الْكَاذِبِينَ** یعنی
 دوستان روز قیامت با هم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید که هر روز روز قیامت بروی
 کردن بآید آن حسرت خواهند که دوخته اند گفت **يَا دُلِّي لِي شَرِّ لِقَاءٍ تَشْنُوْنَ وَلَا تَأْخُذْ بِأَمْرِ الْوَالِكِينَ**
 کاشکی نمی گفتم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید مثلثی دورشوا از احتلاط یارب -
 یارب بدتر بود از مادر بد + مار بدترها همین بر جان زند - یارب بر جان و بر ایمان زند به صحبت صالح
 ترا صالح گشت - صحبت طالح ترا طالح کند + نارخندان باغ را خندان کند - صحبت نیکان
 نریکان کند + در حین همین از ابی هریره روایت که حدیث در طویل از رسول کریم در حق جماعت
 کنندگان که چون حق تعالی بر آنها حسرت کند و بخشاید تمام پیشانی آنها را بخشاید فرشته از فرشتگان
 ای پروردگار مرویست گویگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشست حق تعالی فرماید که او را هم
 بخشیدم آن قومیت که هم نشینشان بدیخت نباشد و لهذا رسول کریم از هم نشین بدو همسایه بدو بخواب
 طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول در دعای خود می گفت **اللَّهُمَّ إِنِّي أَخُو دُلَيْلٍ وَمِنْ لُؤْمِ الشُّوْخِ**
وَمِنْ شَاخَةِ الشُّوْخِ وَمِنْ كِبْسَلَةِ الشُّوْخِ وَمِنْ صَاحِبِ الشُّوْخِ وَمِنْ جَارِ الشُّوْخِ فِي كَارِ الْمَقَامَةِ
 یعنی ای پناه بر من تو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی ای من از روزی و شبی و ساعتی که در آن بگر
 واقع شود و از هم نشین یعنی هم نشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت در خانه همسایه باشد
 برای استراحت همسایه بد رسول کریم در بیخ زمین حق شفعه و جب کرده فائده پس شفعه را باید
 که اگر مشتری نگیرد دست طلب شفعه نکند و اگر بدست از خریدار نماند شود **ششم** قسمی دیگر از
 حقوق العباد حق عامه مومنین است خصوصاً از نه احتیاج کسی است که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین یا
 یا موه و حق سائل است و حق مسافر و مهمان که دارد و شود قال الله تعالی **وَإِذَا الدَّلَالُ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ**
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنُ السَّبِيلِ وَالشَّارِبِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَفِي الرِّقَابِ ذَاتُ الْقُرْبَىٰ
وَالْمَسْكِينِ وَابْنُ السَّبِيلِ یعنی نیکوکاری است که داد مال بر دوستی خدا و القربى و یتیمان
 و مسکینان و مسافران و سائلان را در آزادی بندگان و فرمود حق تعالی **فَلَمَّا الْيَتِيمَ فَلَمَّمَهُ**
وَمَا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَدِهِ یعنی یتیم را قهر کن و سوال کننده را بجز بکن و فرمود آنحضرت **مَا أَقَا**
كَافِلَ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا رواه احمد و بخاری و ابوداود و الترمذی عن سهل بن سعد یعنی من با
 برآورده یتیم در بهشت چنین باشد و اشارت کرد و انگشت خود و فرمود **مَنْ مَرَّ بِمَرْيَا فَلَهُ**
مِائَةُ مِائَةٍ

هر کس مسلمانی بر وجه سلوک نکند و استخوانی بر او نهد و از او بگریزد و از او بگریزد
 یا از او بگریزد یا از او بگریزد یا از او بگریزد یا از او بگریزد یا از او بگریزد یا از او بگریزد
 که سگازت آن مثل آن کند یا بهتر و از آن کند که سگازت آن مثل آن کند یا بهتر و از آن کند
 یعنی حق بتالی بر هر کسی که سگازت آن کند یا بهتر و از آن کند که سگازت آن مثل آن کند
 فرمود تمام تحت تابعت است و آن حضرت فرموده با هر مسافری که میگوید در راه خود با هر مسافری
 نرسیدن صحبت زیاده شود و گویید بر طرف کرد و فرمود آن حضرت که اگر دو مسلمان با هم صحبت
 بچ کنند باقی نیز هم بریزد آن حضرت ابوذر را در مثل گرفتند فرمود که این عمل بسیار خوب است
 رواه ابو داود و فرمود آن حضرت که اگر کسی از شما را از خانه خود بیرون کند و از او بگریزد
 یعنی هر خطی که از او بگریزد او خیر است و اگر کسی از او بگریزد او خیر است و اگر کسی از او بگریزد
 ابوب الانصاری یعنی حلال نیست مردی که ترک طاعت کند برادر خود را زیاد از نهم روز طاعتی شود
 هر دو نفر اعتراض کنند از یکدیگر بهتر از آن کسی است که سبقت کند در سلام و ابو داود و از عائشه از آن حضرت روایت
 کرده که فرمود که مسلمان را جایز نیست که زیاده از نهم روز ترک کند برادر را پس میگوید که با او گریخت
 کرد و سلام گفتند و او جواب نداد و گناه هر دو را بر خود گرفتند و عهد ابو داود و از عائشه روایت
 کرده آن حضرت فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود را زیاده از نهم روز ترک کند
 زیاده از نهم روز ترک کند و میبرد و اصل روزی شود و ابو داود از ابی هریره روایت کرده که میگوید
 که در نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری طاعت کند و سلام گوید پس اگر جواب داد هر دو
 در غسل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه هر دو باقی ماند و او از گناه حیا جرت کرد و بر پیش و فرمود
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم انظر لکذب الحديث و لا تجلسوا ولا تناسدوا و لا
 یجلسوا و لا یستأذنوا و لا یستأذنوا و لا یستأذنوا و لا یستأذنوا و لا یستأذنوا و لا یستأذنوا
 یعنی دور باشید از بدگمانی که بدگمانی در میان ترین شماست یعنی اگر شخصی عیب کسی گوید
 نشنوید و جاسوسی نکنید یعنی در علیهای مردم می کرده در یافتن با هم حسد کنید که از وی دل خوشی نگیرد
 برادرید و با هم بغض و عداوت کنید و با هم تقاطع کنید یعنی یکی بدگری پشت کند و از روگرداند
 و با شیدندگان خدا با هم برادر و در روایتی آمده و لا تأمنوا یعنی هر کس شمشیر را بسوی
 خود کشد و دیگر برادران شرکت نخواهد داشت حضرت فرمود که در مایه پشت و در و شمشیر و در
 پشت بنه کشاده می شود و حق شهر مسلمان را می بخشد اگر آن دو کس با هم عداوت در پاشند و گوید

بگذارید اینها را تا که با هم صلح کنند و او از مسلم عن ابیریه مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
 مردی مردی را بگیرد و گوید که تو با من چه کار داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بدسیدیدی
 یعنی نمی از منکر فرض است که در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود **لَا يَزِيحُ اللَّهُ عَنْ**
لَمْ يَرْحِمِ النَّاسَ مَتَّقٍ عَلَيْهِ عن جبریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمی کند بر مردمان
 و فرمود **لَا يَزِيحُ عَنْهُمْ الْخُشْنُ إِلَّا رَحْمَتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَرَحْمَتُ اللَّهِ فِي السَّمَاءِ**
 رواه ابو داود و الترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان از من رحم میکنند رحم کنید کسانی که در
 زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کند ملائکه آسمان و فرمود **مَنْ لَمْ يَرْحَمْ**
صَغِيرًا نَأَى كَمْ يَجِدُ كَبِيرًا تا فلیس حینار رواه البخاری فی الادب و ابو داود و عن ابن عمر یعنی هر که
 رحم نکند بر صغیر را و نشاء حق بزرگ ما پس از اینست و فرمود رسول صیئت در دلو کسی که صلح
 کنند در مردم و گوید نیک برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از امام کثرت است عقبه روایت
 کرده احمد و ترمذی از امام نبی زید روایت کرده که گفت رسول حلال نیست دروغ گفتن بگفت
 جاد و دروغ گفتن با زن پراخی را زنی کردن او و دروغ و جنگ کفار یعنی بقتیمکه عذر نباشد و دروغ
 گفتن برای صلح و مردم فرمود **أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ ذَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّدَقَةِ**
وَالصَّلَاةِ صحابه گفتند بلی یا رسول الله فرمود **إِذَا بَلَغَ الْبَيْنَ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ**
هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابوداود و الترمذی عن ابی الدرداء قال نه احديث صحیح آنحضرت
 اصحاب را گفتند که جزو کلم شمارا بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز و صفا بگفته اند
 خبر و یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم افضل است از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
 در مردم حاله است و فرمود آنحضرت **ذَبَّ إِلَيْكُمْ دَاءُ الْأُمَمِ قَبْلَكُمْ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ**
هِيَ الْحَالِقَةُ كَقَوْلِ يَخْلُقُ الشَّعْرَ لَكِنْ يَخْلُقُ الدِّينَ رواه احمد و الترمذی عن زبیر بن جراح
 آمد بسوی شما منی که در متهای پیشین بود با هم حسد کردن بغض نمودن این صفت حاله است یعنی
 تراشیده نمیگویم که موی را می تراشد بلکه دین را می تراشد و فرمود آنحضرت هر پیر کنیز را حسد بدینیکه
 حسد میخورد و نکو بیار اچنانچه میخورد و تشنگی بیا خشک را با بود و عن ابی هریره و فرمود آنحضرت **أَيُّكُمْ وَسَّوْءُ**
ذَاتِ الْبَيْنِ فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی پیر کنیز بدی در میان مردم
 این صفت تراشیده است دین را و فرمود آنحضرت **مَنْ خَذَّ خَذَّ اللَّهِ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهِ**
 حکایت رواه ابن ماجه و الترمذی عن ابی صبرته یعنی هر که ضرر رساند دیگر را خدا او را ضرر رساند

در حدیث
 در حدیث
 در حدیث

کرد بلکه بزرگوار باشد و قال الله تعالى ما كان لبي و الذین آمنوا ان یستغفروا للمشركین
 و ان یؤثروا اونی غدا من ذلک من صابغین انهم انتم اصحاب الجحیم و ما کان ما استغفروا
 انهم انهم کما کذبوا و قد جحدوا و قد کذبوا و قد کذبوا و قد کذبوا و قد کذبوا و قد کذبوا
 یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند براسه مشرکان اگر چه باشند آنها صاحب
 عزت بعد از آنکه ظاهر شود آنها را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار بر همه برای پدر خود دیگر
 از جهت وعد که پدر با وی کرده بود که اسلام خواهم آورد پس هرگاه که ظاهر شد پدری که این سخن
 قد است از وی نیز ارسا کرد و غایب کن حدیث کل نسب و جحدی یقطع یوم القیامه
 نسبی و جحدی حدیث صحیح است این عباس از عسا که از این عمر رویت کرده یعنی هر است
 نسبی و قربت نسبی و دواوی که باشد در رقیاست منقطع خواهد شد اگر قربت نسبی و هر سن از هر سن
 آن نیست که قربت همه مومنان بخیر منقطع خواهد شد اگر قربت پاک من بلکه مراد آنست که همه مومنان
 فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع خواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان
 میفرماید و الذین آمنوا و اتبعوهم ذریههم بایمان احقناهم ذریههم و ما الکنا
 هم من ذریههم من ذریههم یعنی کسانی که ایمان آورد و دارند اولادشان تابع ایشان اند
 و اولادشان را در بهشت برتر پدران محقق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد هیچ و
 نیز حق تعالی میفرماید و ما اموالکم و کما انکم ذکری بالی تقرب بکم عذنا فاذلک من
 امری و کل صالحا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را با نزد یک نخواهند کرد و دیگر کسی که ایمان
 آورد و دست غسل صلح کرده اموال و اولاد آنها را با نزد یک خواهند کرد و در حق کافران
 فرموده لا اشراف بینهتم یومئذ یعنی نسب بی شان در میان شان نخواهند ماند و رقیاست
 و فرمود و تقطعت بهیم که کسبای منقطع خواهد شد در میان شان اسباب صلات این آیات
 دیگر و احادیث نبوی معلوم میشود که نسب در مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگر را میفرماید و شدیم
 بسبب قربت و هم بسبب دوستی و غیره کافران را هیچ فایده نخواهد کرد و یوم یقر المکره من حیثه و
 امیه و امیه و صاحبیه و بنیه را که خلا عیومین بعضهم لبعض عدا و الا المقتب این
 یعنی روز قیامت بگرز مردان برادر خود و مادر و پدر و فرزندان خود و دوستان آن روز تمام
 دشمن خواهند شد که استقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکور هر کسی که در اسلام
 و تقوی افضل و قوی باشد و برای محبت و صلت ادلی و حق باشد و الله اعلم

لعل فی حق و صحت و بزرگوار و اولاد و اموال کافران در بهشت و اولاد و اموال مومنان در جهنم

استماع و استغفار و تکلیف و تنوع و مانند آن لازم شود ادای این حقوق یعنی تسلیم بید و قبض بر
بیشتری تسلیم بفسخ بزوج و تسلیم بفسخ و اینها می شود قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت
و مانند آن از فرایض مقام مخصوص است و از حقوق الله است که احتمال مغفرت دارد اولی بالا داشت
و در تلف این حقوق و عدم ادای ویون احتمال عدم مغفرت است رسول فرمود **يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ**
ذَنْبٍ إِلَّا الذَّنْبَ رواه مسلم عن عبد الله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین و سرود
مَطْلُ النِّجَاحِ ظلم مستحق علیه عن ابی هريرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد سپردن ظلم است
جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا دین کسی هست گفتند که فی آنحضرت برود
نماز جنازه خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بروی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت
گذشته است گفتند آری نماز آنحضرت بروی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بروی دین
کسی هست گفتند آری سده دینا پرسید که چیزی مال گذشته است گفتند فی سرود شما نماز برود
بخوانید ابوقناد گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتیم نماز بروی بخوان انگاه نماز خود
بخاری از مسلم بن کوفع روایت کرده بخوی در شرح السنه از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه
آمد رسول علیه السلام پرسید که بر دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذشته است
گفتند فی حضرت فرمود که شما خوانید علی فنی الله گفت که دین او بر خود گرفتیم آنوقت نماز خواند و گفت
علی را که حق تعالی ترا از بند ما کناد چنانچه تو یار خود را از بند ما کردی مسلم از ابی قتاده روایت
کرده که مردی گفت یا رسول الله در حالی که رو بر قال داده باشم حق تعالی گناهان من بخشد
فرمود آری مگر دین این چنین جبرائیل عین گفت برای او که هر حق تعالی میفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا**
وَصَدَقَاتِهِمْ نَجَلَةً یعنی بپسند زنان را مهرهای شان بخوشی دل بایزال حلال بشبیه یا بنا بر و یا
و فرمود **أَعْطُوا الْجِيرَ اجْرَهُ قَبْلَ أَنْ يَخْفَ عَوْقُهُ** رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو نعیم
ابی هريرة و الطبرانی عن جابر و حکیم الترمذی عن انس یعنی بپسند مرد و در امر و دین او پیش از آنکه
خشک شود عرق او و رسول فرمود **إِذَا دَعَا جَلَّ أَهْوَاؤُهُ إِلَى خَيْرٍ شَبَّهَ قَابَتُ قَبَاتٍ عَصَابًا**
كَغَتِّهَا إِلَى كَلْبَةٍ حَتَّى تَصْبِحَ مستحق علیه عن ابی هريرة و قتیله شومر زن خود را بر فرزند خود طلبت و او
انکار کند شومر بغضه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ**
تَنْتَهِوا عَنْ مَا نَهَاكَ إِلَى أَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانت را با اهلان شان ادا کنید
مفضل اگر شخصی اراده دای دین داشته باشد و او را نیت شود و میرد هید است که حق تعالی در آخرت

و اینان اورا راضی سازد و او را بهیشت بر د رسول فرمودند **قَدْ كُنْتُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ قَوْمًا**
لَا يَشْرِكُ مَعَهُ شَيْءٌ و از حق عزیمت بهما شاء و فرمودند **لَنْ يَدْرِيْكُمْ وَ لَنْ يَنْصَبَ**
كُلَّكُمْ مَوْتًا اقتصر الله تعالى لغرضه **لَنْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ** رواه الحاكم سنن ابی امامه
یعنی هر که سال کند دین بر وی لازم شود و او را داده ادای آن دارد و بهر حق تمام بهیشت
بر و اینان اورا راضی سازد و هر که سال کند دین دارد شود و او را داده او انداخته باشد و حق تمام
عزیمت او را و ز قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت
أَمِنْ أَوْي كُنْتَ وَ هُوَ يَكُونُ أَنْ لَا يَكُونُ ذِيَّةٌ فَمَاتَ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى **يَوْمَ الْقِيَمَةِ** رَاضِي لَأَنْ يَكُونَ بَعْدَ كُنْ
أَوْ كُنْ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيَسْبُلُ فَيَحْسَنَاتِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَبِيلِهَا
فَيَسْبُلُ عَلَيْكَ یعنی هر که بمیرد و او را داده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بسند
و خود را ازین سیگرم پس از حسنات مدیون باین در مانده شود و اگر حسنات نباشد گناهان این بر دین
ببارد و شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود **وَرَقِمْ** و نمید و نیست ادای دین باشد
پس من دلی او بستم یعنی او را به بخشایم و از حق تهرین او ادا گشت نام و هر که بمیرد و نیست ادای دین ندارد
گرفت شود از حسنات او و در آن روز دهم دینا نیست و چنین از ابن عمر از حضرت مرویت
فصل و حقوق العباد که سبب آن محبت است چون قتل نفس اتیل عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقت
یا خیانت یا آبروی کسی بردن یا دشنام دماندن یا خیمت ادای این حق رو مظلوم و استر ضای مظلوم
ست بدون استر ضای مظلوم عفو و مغفرت در اطلاق این چنین حقوق نمیتوانند شد الا نادار رسول و
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ قَالَ لَكُمْ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا
وَلَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا فَالْشُّوْكَ وَ أَمَّا الدِّيَارُ الَّتِي لَا يُبَايِعُ اللَّهُ
شَيْئًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ فَيَبِيْسُهُ وَ يَبِيْسُهُ مِنْ صَوْمٍ مُرَكَّهٍ أَوْ حَلَقَةٍ
رَكَّةٍ أَوْ إِنْ أَلْفَ شَارَكَ وَ قَالَ يُعْفِرُ ذُنُوبَكُمْ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ وَ أَمَّا الدِّيَارُ الَّتِي لَا يُبَايِعُ اللَّهُ
شَيْئًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ بِعَصَاكَ الْقَصَاصِ لَا حَالَهُ رَوَاهُ الْحَاكِمُ
و احمد عن عائشة رضي الله عنها عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة
النسب که آن را هیچ نمی گذارد و دیگر است که آن را هرگز نمی بخشد آن نامه که آن را نمی بخشد گزین
ست و آن نامه که آن را هیچ نمی گذارد آن ظلم بنده است بر نفس خود تبرک حقوق حق تعالی از ترک
رعوه و دینا زده اند آن پس حق تعالی بخشد این را هرگز بخواند دان نامه که از آن هیچ نیکو زار

و اینان اورا راضی سازد و او را بهیشت بر د رسول فرمودند
و از حق عزیمت بهما شاء و فرمودند
اقتصر الله تعالى لغرضه
یعنی هر که سال کند دین بر وی لازم شود و او را داده ادای آن دارد و بهر حق تمام بهیشت
بر و اینان اورا راضی سازد و هر که سال کند دین دارد شود و او را داده او انداخته باشد و حق تمام
عزیمت او را و ز قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت
فَمَاتَ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى
يَوْمَ الْقِيَمَةِ رَاضِي لَأَنْ يَكُونَ بَعْدَ كُنْ
أَوْ كُنْ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيَسْبُلُ فَيَحْسَنَاتِهِ
لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَبِيلِهَا
فَيَسْبُلُ عَلَيْكَ
یعنی هر که بمیرد و او را داده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بسند
و خود را ازین سیگرم پس از حسنات مدیون باین در مانده شود و اگر حسنات نباشد گناهان این بر دین
ببارد و شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود
وَرَقِمْ و نمید و نیست ادای دین باشد
پس من دلی او بستم یعنی او را به بخشایم و از حق تهرین او ادا گشت نام و هر که بمیرد و نیست ادای دین ندارد
گرفت شود از حسنات او و در آن روز دهم دینا نیست و چنین از ابن عمر از حضرت مرویت
فصل و حقوق العباد که سبب آن محبت است چون قتل نفس اتیل عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقت
یا خیانت یا آبروی کسی بردن یا دشنام دماندن یا خیمت ادای این حق رو مظلوم و استر ضای مظلوم
ست بدون استر ضای مظلوم عفو و مغفرت در اطلاق این چنین حقوق نمیتوانند شد الا نادار رسول و
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ قَالَ لَكُمْ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا
وَلَا تُبَايِعُوا شَيْئًا وَ لَا تُبَايِعُوا شَيْئًا
فَالْشُّوْكَ وَ أَمَّا الدِّيَارُ الَّتِي لَا يُبَايِعُ اللَّهُ
شَيْئًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ فَيَبِيْسُهُ وَ يَبِيْسُهُ مِنْ صَوْمٍ مُرَكَّهٍ أَوْ حَلَقَةٍ
رَكَّةٍ أَوْ إِنْ أَلْفَ شَارَكَ
وَ قَالَ يُعْفِرُ ذُنُوبَكُمْ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ وَ أَمَّا الدِّيَارُ الَّتِي لَا يُبَايِعُ اللَّهُ
شَيْئًا فَظَلَمَ الْعَبْدُ نَفْسَهُ
بِعَصَاكَ الْقَصَاصِ لَا حَالَهُ رَوَاهُ الْحَاكِمُ
و احمد عن عائشة رضي الله عنها عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة عن عائشة
النسب که آن را هیچ نمی گذارد و دیگر است که آن را هرگز نمی بخشد آن نامه که آن را نمی بخشد گزین
ست و آن نامه که آن را هیچ نمی گذارد آن ظلم بنده است بر نفس خود تبرک حقوق حق تعالی از ترک
رعوه و دینا زده اند آن پس حق تعالی بخشد این را هرگز بخواند دان نامه که از آن هیچ نیکو زار

مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داد و شود تا دیکه هیچ از حسنات شایع نباشد اگر مظلومان بپایان
کنان مظلومان بر ظالمان نهاد و آنها را داخل فرخ کرد و شود پس هرگاه که مظلومان سیات فتنی
شود اگر چه بیکشت طویل مومنان ظالمان از مظلالم پاک شوند آن زبان در پس همیشه که شود
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است و بیشتر اینچنین با مومنین گفته لیکن از شماست
ظالم کما باشد که ایمان سلسله و نمود با اینها حق تبار از صدر و مظلالم در پناه خود دارد
مباش در پی آزار و حربه خواهی کن که در شریعت با غیرین گناه نیست - یعنی در شریعت
محمدی مانند مظلالم هیچ گناه نیست - فایده اگر بر ذمه شخصی مظلالم بود و از آن توبه کند آن
ظالم است نواب کن در و مظلالم است رضای مظلومان از مفرد او خارج باشد در صورتی که
است که مقتضای ضمان او را در قیاست اضی سازد و رسول فرمود بجلال من اقمی جنتا
بین یدای رب العرش و تب ادک و تعالی فقال اخذها یا رب اخذ لی مظلومی من
ارخی فقال الله اخط اخطك مظلمة فقال یا رب لم یبق من حسناتی شیئ فقال الله
کف تصنع کما یبق من حسناتی شیئ فقال یا رب یحیی من اذادی و خاصت علیا
و رسول الله صلعم بالکما و قال ان ذلک یوم عظیمه یوم یجتاح الناس الی ارجل
عنهم و زارهم فقال الله ارفع رأسک فانظر فی الحسان فرفع رأسه فقال
یا رب اری مدائن من فضیلة من نفعه و من ذهب مکرله بالکلو و لا یبی
اؤک فی حیاتنی اؤک فی شریک هذا فقال لمن اعطى الله قال رب و من مملک
ذاریک قال انت مملکة قال لم قال لحقولک من لخیک قال رب انی
عقوت عنه قال الله تعالی خذ بید اخیک فادخله الجنة ثم قال رسول
الله صلعم اقول الله و اصابوا ذات بینکم فانی الله یصلح بین المؤمنین یوم
القیمة و راه الحاکم و البهیقی و معدن منصور عن انس لیس و مرد از هست من دور
نشیند میش رب التست نرس یکے بگوای بر در دکه مظلمه من از برادر من بگیر حقتا لے اورا
بفراید که بد مظلمه این برادر خود را او بگوید لے پرور و کار هیچ از حسنات باقی نمانده است
حققت الی مظلوم را بفراید چه یکس از حسنات و هیچ باقی نمانده است و گوید اے
پرور و کار گناهان من از من بردار و ازین شخص چشم مبارک آنحضرت صلعم است که
بچینا فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد و خواتم

این مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داد و شود تا دیکه هیچ از حسنات شایع نباشد اگر مظلومان بپایان
کنان مظلومان بر ظالمان نهاد و آنها را داخل فرخ کرد و شود پس هرگاه که مظلومان سیات فتنی
شود اگر چه بیکشت طویل مومنان ظالمان از مظلالم پاک شوند آن زبان در پس همیشه که شود
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود است و بیشتر اینچنین با مومنین گفته لیکن از شماست
ظالم کما باشد که ایمان سلسله و نمود با اینها حق تبار از صدر و مظلالم در پناه خود دارد
مباش در پی آزار و حربه خواهی کن که در شریعت با غیرین گناه نیست - یعنی در شریعت
محمدی مانند مظلالم هیچ گناه نیست - فایده اگر بر ذمه شخصی مظلالم بود و از آن توبه کند آن
ظالم است نواب کن در و مظلالم است رضای مظلومان از مفرد او خارج باشد در صورتی که
است که مقتضای ضمان او را در قیاست اضی سازد و رسول فرمود بجلال من اقمی جنتا
بین یدای رب العرش و تب ادک و تعالی فقال اخذها یا رب اخذ لی مظلومی من
ارخی فقال الله اخط اخطك مظلمة فقال یا رب لم یبق من حسناتی شیئ فقال الله
کف تصنع کما یبق من حسناتی شیئ فقال یا رب یحیی من اذادی و خاصت علیا
و رسول الله صلعم بالکما و قال ان ذلک یوم عظیمه یوم یجتاح الناس الی ارجل
عنهم و زارهم فقال الله ارفع رأسک فانظر فی الحسان فرفع رأسه فقال
یا رب اری مدائن من فضیلة من نفعه و من ذهب مکرله بالکلو و لا یبی
اؤک فی حیاتنی اؤک فی شریک هذا فقال لمن اعطى الله قال رب و من مملک
ذاریک قال انت مملکة قال لم قال لحقولک من لخیک قال رب انی
عقوت عنه قال الله تعالی خذ بید اخیک فادخله الجنة ثم قال رسول
الله صلعم اقول الله و اصابوا ذات بینکم فانی الله یصلح بین المؤمنین یوم
القیمة و راه الحاکم و البهیقی و معدن منصور عن انس لیس و مرد از هست من دور
نشیند میش رب التست نرس یکے بگوای بر در دکه مظلمه من از برادر من بگیر حقتا لے اورا
بفراید که بد مظلمه این برادر خود را او بگوید لے پرور و کار هیچ از حسنات باقی نمانده است
حققت الی مظلوم را بفراید چه یکس از حسنات و هیچ باقی نمانده است و گوید اے
پرور و کار گناهان من از من بردار و ازین شخص چشم مبارک آنحضرت صلعم است که
بچینا فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد و خواتم

و بزرگترین بخت و شانس خود بدو رسیده است زیرا که رسول فرمود: اَمْسُتَبَانِ مَاذَا لَاَعْلَى

لَبَادِي ضَمَامَا لِمَنْ يَفْتَدِي الظُّلُمَ رَدَاهُ أَحْمَدُ وَسَيَاوِي الْوُدَّ وَالْزُّمَرُ عَمَّا

دکسن با هم بدگوی گشتند گدا و پسر دو بدگوی سرکس هست که او را از خانه بیرون کردند

بسیار است از فرمود انجمن استانبول

باز در این کتاب است که شیطان یقیناً نگران ویتیکه اذ بان روایت احمد بخاری فی الامم است و معجم و غیره است و این کتاب

بشاری فی التلا ب بستر طبع عن عیاض بن جازع یعنی دو کس که با هم بدگوی می کنند و در دوا

بابهم كلام اجل ميگویند باهم دروغ گوی میکنند و قال الله تعالى ولا يستوي الحسنه

يَسْتَعِذُّ بِالْحَمْدِ أَحْسَنُ فَإِذَا دَلَّيْ بِدَيْكَ وَبَيْتُهُ عَدَا وَكَيْفَ كَانَتْ وَكَيْفَ خَسِرَتْ

وَالَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهِمُ الْآدُوُّ حَظًّا مِثْلُ مَا يُلْقِيهِمُ اللَّهُ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا تُقَاتِلُوا

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ يَعْنِي نَبِيَّكَ وَرَسُولَكَ أَرَأَيْتَ إِنْ كُنْتَ

ی چیز اختیار کنند و بیک دفتر کنند و اگر کسی بخواهد که این دفتر را بنویسد

ری اور طرف شود اگر بخند کند که

و ای که بگوید که من این پس سیکه با تو دشمنی دارم دوست کمزنگت قریب خواهم شد

خواهد بود و این صفت را اگر صاحبان دهنند نخواهد بود و این صفت را اگر کسی که نزد خدا فیض

ار دو الود سو سه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دار داز بر علم ام شاه ۵ انخ

و علیهم السلام ترا پناه دهد مردی گفت یا رسول الله مرا خند غلام اند که مرا دروغ گویند

سیکند و زافرانی میکشند و من آنها را سینه نم و دشنام میخورم چنانکه

سرمد که خنانت بکنند در عهد انانیا اعتنا

از عقاب آنها که خواهد بود تر نشوید تا آنکه بترسید از عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر

و اگر عتاب الهام خواهد بود در شصت خواهد بود و اگر عتاب تو بقدر گناه آنجا خواهد بود و بر

و الرعاعاب توازن کائنات را یاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهند

سپین و باد آنه ناله کردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن خوانده و کتبه الم از موالی القضا

فَلَا تَظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا مِنْهُ كَانَ مُثْقَالًا حَتَّى مَرَّ خُذْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُ

یعنی خواهم نهاد ترا در آن ایام روز و امرو به نظر آنکه

یونانی و رومیان را می شناسد و در قیامت پس ظاهر گردد و خواهد شد هیچ خبری
ظلمت روزگار و دانه خردا نخواهد آمد آری که

و این دو اسم در دوسویم حساب کشنده آفرید گفت یار رسول الله

ایم از جد کردن آنها بدستیکه من ترا شناسم که آتشان آزاد کردم و راه احمد

بدی بدی پہل باشد خدا اگر مردی خوشتر آئے مرن آسانا *

خساق و نرخی مذمت تکر حق شود حق رسول اگر کرمه و مودودا

وَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى

[illegible]

در مطبع محمدی واقع لاهور بفیض الشیخ اجران نامی فقیر السید عبد العزیز
و این احمد جامی رزقہم اللہ زرقا و سعادت طبع و کردید